



معاونت آموزشی - تربیتی
اداره کل امور تربیتی
۱۳۹۷

ویژه نامه

مسیر طلبگی

۱۳۹۷

پدیده خواهران طلبه... خیلی
پدیده عظیم و مبارکی است.

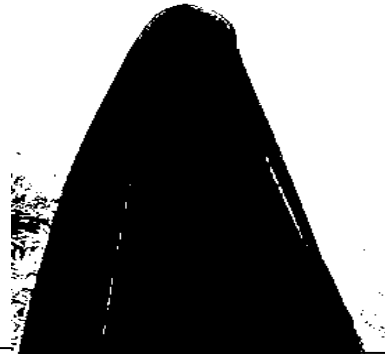


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شیعه به دنیا آمد، ایم که مؤثر در تحقق ظهور مولا باشیم.

شهید محمودرضا بیضائی



وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ
لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

توبه، ١٢٢





امام خمینی رحمته الله عليه:

تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجروی‌ها بوده‌اند.
۳/۱۲/۱۳۶۷

امام خامنه‌ای دامه ظلّه:

پدیده خواهران طلبه... خیلی پدیده عظیم و مبارکی است. هزاران عالم، پژوهشگر، فقیه و فیلسوف در حوزه‌های علمیه خواهران تربیت شوند؛ این چه حرکت عظیمی خواهد بود... برای انقلاب آبروست.

۱۳۸۹/۷/۲۹

آن چه با هم می خوانیم:

طلبگی

زی_طلبگی

هویت و شجره نامه صنفی روحانیت

طلبگی و روحانیت

توصیه های اخلاقی بزرگان به طلاب

بانوان مجتهده معاصر

شانزده توصیه برای موفقیت در زندگی طلبگی

معرفی کتاب

پی نوشت

طلبه از نظر صنفی و شغلی از تبار پیامبران است و سلاله نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام، محمد صلی الله علیه و آله و وارث علی، فاطمه و حسین علیهم السلام... و این، بس افتخارآمیز و مسئولیت آفرین است.


طلبگی

هر یک از اصناف اجتماعی با هدف رفع یکی از نیازهای زندگی انسان پدید آمده است. بدون شک، نیاز انسان منحصر در تأمین خوراک، پوشاک و آسایش مادی نیست. نیاز غیرمادی انسان، به مراتب از نیاز مادی اش فراوان تر و اساسی تر است؛ زیرا حقیقت انسان و انسانیت او، در گرو عناصر غیرمادی است. از جمله این نیازها، نیاز به وحی، نیاز به دین و نیاز به هدایت آسمانی است. پروردگار جهان، برای رفع این نیاز مهم ، شخصیت‌های برگزیده‌ای را به همراه پیام آسمانی میان مردم فرستاده است. این چهره‌های ممتاز بشریت حامل سه مسئولیت بزرگ هستند:

۱. دریافت پیام خدا (نبوت، خبرگیری)؛
۲. انتقال این پیام به مردم (رسالت، ابلاغ)؛
۳. اجرا و تحقق آن محتوا در سطح جامعه (امامت، ولایت).

نیاکان صنفی **طلبه**، انبیاء و اولیا هستند...


یعنی وظایفی که آنها بر دوش داشته‌اند و خدمتی که آنها در جامعه انجام می‌داده‌اند، **طلبه**، در شرایط امروز، بر عهده گرفته است.



پس از رحلت آخرین پیامبر ﷺ و غیبت آخرین وصی اش (امام عصر علیه السلام) این سه مسئولیت خطیر نیاز به متولی دارد. لازم است در کنار اصناف مختلف که به رفع نیازهای گوناگون اجتماعی می‌پردازند، دسته دیگری پدید آید که این وظایف سنگین را بر دوش گرفته، دنباله‌رو حرکت پیامبران گردد. این صنف، روحانیان و عالمان دین نام گرفته‌اند: عالمان دین، وارثان و جانشینان پیامبران هستند [۲] و متناظر با مسئولیت‌های سه‌گانه پیامبران سه تکلیف بزرگ بر عهده دارند. قرآن کریم به این سه تکلیف چنین اشاره دارد:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾؛ [۳]

«و شایسته نیست مؤمنان همگی کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا آگاهی عمیق در دین پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند - بیم دهند؟ باشد که آنان (از کیفر الهی) بترسند.»



پیامبران خدا به واسطه وحی با پیام خدا آشنا شدند...
طلبه نیز در دوره تحصیل خود با سخن خدا آشنا می‌شود.



- در این آیه - که پس از آیات جهاد نازل شده - گروه معینی از مؤمنان از حکم وجوب جهاد و حرکت به سوی جبهه جنگ استثنا شده‌اند تا این سه هدف را پی گیرند:
۱. فهم عمیق دین و دریافت پیام وحی از منابع دینی (لَيَتَفَقَّهُوْا [۴]);
 ۲. بازگشت به میان مردم، انذار و هشدار آنها و ابلاغ پیام دین (لِيُنذِرُوْا);
 ۳. تلاش برای تحقق آرمان‌های دینی (هدفمند بودن تبلیغ و امید اثرگذاری (لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُوْنَ)

* تحصیل ادبیات عربی - که زبان منابع دین است - آشنایی با قواعد مفاهمه عرفی در علم اصول فقه، علوم قرآن، علوم حدیث، تفسیر، بررسی منابع روایی، پژوهش به هدف کشف نظر دین در موضوعی خاص و... همه تلاش‌هایی است که در راستای فهم عمیق دین صورت می‌گیرد.

* تبلیغ، سخنرانی، تدریس، تألیف کتاب، ترجمه متون دینی، تولید نرم‌افزارهای کاربردی، تشکیل مراکز فرهنگی، مدیریت فرهنگی و... تلاش‌هایی است که در جهت هدف دوم (تبلیغ دین) صورت می‌گیرد. پاره‌ای از علوم و معارف، نظیر فنون بلاغت، اصول نگارش و سایر مهارت‌های مورد نیاز متناسب با شرایط و مسائل روزآمد در راستای همین هدف به سیستم آموزشی حوزه‌ها راه یافته است.

پیامبران در راه دفاع از دین و تحقق ارزش‌های الهی کوشیدند...
وظیفه **طلبه** نیز همین است.





* ولایت اجتماعی، قضاوت و دادرسی، اجرای حدود شرعی، طراحی مدل‌های دینی در علوم انسانی، بسترسازی برای اجرای احکام الهی و تحقق اهداف مکتب نسبت به گسترش و تعمیق اسلام ناب، حفظ و تحکیم نظام اسلامی و بسترسازی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و... تلاش‌هایی است که در دایره وظیفه سوم قرار دارد.

* ایجاد کتابخانه و نمایشگاه، تولید نرم‌افزارهای علوم اسلامی، کتاب‌نامه‌ها، فهرست‌ها، معاجم و ... گرچه گامی مستقیم در راه تفقه به‌شمار نمی‌رود؛ اما به کاروان فهم دین کمک می‌کند و مسیر حرکت این کاروان را هموارتر یا کوتاه‌تر می‌کند.

پیامبران به تعلیم و تربیت و هدایت مردم پرداختند...
طلبه هم در همین مسیر گام برمی‌دارد.



زی-طلبگی

واژه «زی» که در زبان فارسی و عربی استعمال می‌گردد، اسم ثلاثی مجرد از ریشه «زوی» و بر وزن فعل است. معادل فارسی این واژه، شکل و هیئت ظاهری، جلوه خارجی و صورت مشهود افراد است [۱].

واژه «زی» در سخن پیشوایان معصوم مکرر دیده می‌شود. از جمله، ترکیبات زیر در روایات اهل بیت علیهم السلام به چشم می‌خورد: زی المسکین، زی الفقراء، زی الاغنیاء، زی الصالحین، زی الصلحاء و الزهاد و...

آنچه ذکر شد، معنای لغوی واژه «زی» در زبان عربی است. البته، در زبان عربی این واژه گاهی به نحو استعاری در معنای گسترده‌تری به کار می‌رود. آن معنای گسترده، عبارت است از اخلاق و نحوه زندگی، نه فقط هیئت و شکل ظاهری.

بدین ترتیب، زی طلبگی در زبان عربی به معنای نمای ظاهری طلبه و صورت مشهود حیات او است و در زبان فارسی، به معنای حیات طلبگی و زیست متناسب با او.

سخن از زی طلبگی یا زی روحانیت، سخن از ظواهر، بروزات بیرونی و تجلیات خارجی طلبه است و از هنجارهای حاکم بر سیمای مشهود طلبه در منظر دیگران و تصویر آشکار او در اجتماع کاوش می‌کند. این که طلبه خود را چگونه بنمایاند و چه تصویری از سیره فردی و اجتماعی خود در چشم دیگران ترسیم کند؟

می‌توان گفت که **طلبه**، همکار امام زمان علیه السلام است...
و دغدغه‌های آن حضرت، وجود او را نیز فراگرفته است.



وقتی سخن از زی طلبه به میان می‌آید، انتظار می‌رود طلبه با وصف طلبگی (بما انه طلبه و روحانی) مورد نظر باشد و صرفاً به عنوان یک مؤمن (بما انه مسلم و مومن) موضوع بحث نباشد. اکنون میان **زی ایمانی طلبه** و **زی طلبگی** او تفاوتی ملاحظه می‌شود. طلبه از آن جهت که یک مسلمان مؤمن است، موظف است در زی اهل ایمان باشد؛ اما فراتر از آن، از جهت شخصیت صنفی و نقش اجتماعی خاص طلبگی نیز لازم است در جلوه‌های ظاهری خود هنجارهایی را مراعات کند که الزاماً هر مؤمنی در هر صنفی ملزم به رعایت آن نیست. این هنجارها، مصادیق خاص زی طلبگی‌اند.

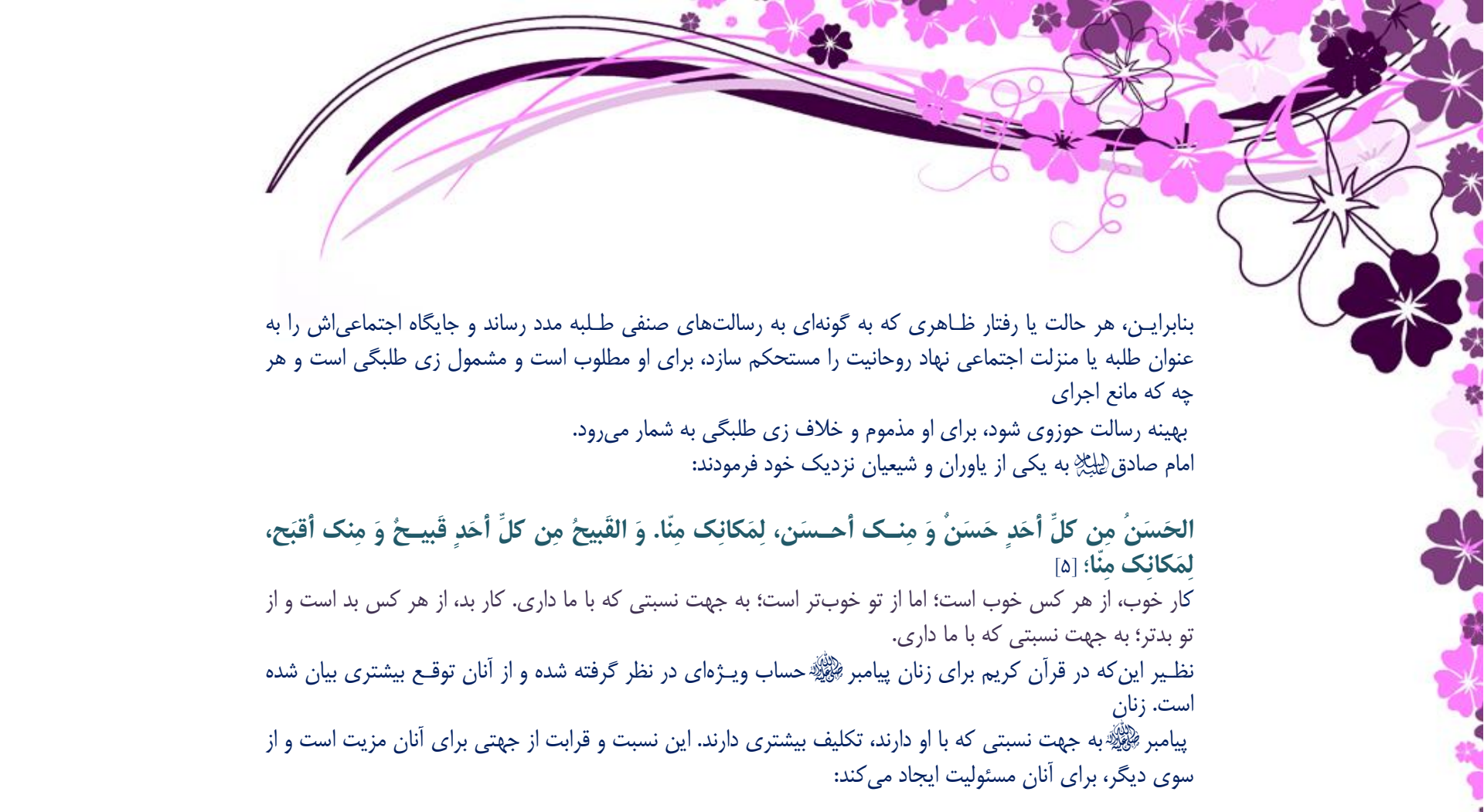
به بیان دیگر، طلبه چون انتساب آشکاری به یک صنف اجتماعی دارد، رفتارش رفتار آن صنف تلقی می‌شود و به پای آنها نوشته می‌گردد. آبروی شخصی او با آبروی صنف او و آبروی صنفی او پیوند دارد و از بین رفتن اعتبار شخصی اش، غالباً ملازم با خدشه در اعتبار صنفی او و اعتبار صنف او است. بنابراین، اگر طلبه در رفتارهای خود مراقبت لازم را نداشته باشد و از حدود پاره

ای هنجارها فراتر رود، علاوه بر آن که با زی ایمانی تطابق ندارد و شأن او را پایین می‌آورد، به منزلت و جایگاه روحانیت آسیب رسانده و ارج و قدر این نهاد مقدس را که حاصل صدها سال پای‌مردی، صداقت، خدمت و مجاهدت عالمان ربانی است، مخدوش ساخته است.

می‌توان گفت که **طلبه** سهم امام است...

یعنی نه تنها درآمد نقدی طلبه که تمام وجود او (دارایی‌های معنوی، توانایی‌ها، استعدادها، و ظرفیت‌هایش) متعلق به امام عصر علیه السلام است.







بنابراین، هر حالت یا رفتار ظاهری که به گونه‌ای به رسالت‌های صنفی طلبه مدد رساند و جایگاه اجتماعی‌اش را به عنوان طلبه یا منزلت اجتماعی نهاد روحانیت را مستحکم سازد، برای او مطلوب است و مشمول زی طلبگی است و هر چه که مانع اجرای بهینه رسالت حوزوی شود، برای او مذموم و خلاف زی طلبگی به شمار می‌رود. امام صادق (علیه السلام) به یکی از یاوران و شیعیان نزدیک خود فرمودند:

الْحَسَنُ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَ مِنْكَ أَحْسَنُ، لِمَكَانِكَ مِنَّا. وَ الْقَبِيحُ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَ مِنْكَ أَقْبَحُ، لِمَكَانِكَ مِنَّا؛ [۵]

کار خوب، از هر کس خوب است؛ اما از تو خوب‌تر است؛ به جهت نسبتی که با ما داری. کار بد، از هر کس بد است و از تو بدتر؛ به جهت نسبتی که با ما داری. نظیر این که در قرآن کریم برای زنان پیامبر (علیهم السلام) حساب ویژه‌ای در نظر گرفته شده و از آنان توقع بیشتری بیان شده است. زنان پیامبر (علیهم السلام) به جهت نسبتی که با او دارند، تکلیف بیشتری دارند. این نسبت و قرابت از جهتی برای آنان مزیت است و از سوی دیگر، برای آنان مسئولیت ایجاد می‌کند:



خدمتی که **طلبه** به جامعه عرضه می‌کند، رفع مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز انسان‌هاست... نیاز انسان به معنا، نیاز انسان به انسانیت، نیاز انسان به خدا، نیاز انسان به هدایت... و آشناسازی آنها با مهم‌ترین حقیقت هستی (خدا).



﴿يُنْسَاءَ النَّبِيَّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَحْشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا *
وَمَنْ يَفْتُرْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا * يَنْسَاءَ
النَّبِيُّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾؛ [٦]

ای زنان پیامبر! هریک از شما که گناه آشکاری انجام دهد، عذاب او دو برابر خواهد بود و این بر خدا آسان است. و هریک از شما که خدا و رسولش را پیوسته فرمان برد و عمل شایسته انجام دهد، پاداشش را دو برابر خواهیم داد و برای او روزی ارزشمندی آماده ساخته‌ایم. ای زنان پیامبر! شما مانند سایر زنان نیستید.

موضوع سخن، طلبه در نگاه دیگران است؛ یعنی طلبه با نمای آشکارش، طلبه در منظر و در میان مردم. این نوشتار، تنها به بخش آشکار شخصیت طلبه و رویه ظاهر او پرداخته است، و با شخصیت واقعی طلبه که در نهان‌خانه و در ارتباط با خود و با خدا نمایان می‌گردد، کاری ندارد. بی‌شک، سخن از ویژگی‌های طلبه در خفا و خلوت و در ارتباط با خود و خدا نیز ضروری است که نیاز به مجال دیگری دارد.

طلبه امروز، عالم فردا است...

و عالم دین، وارث انبیا؛ انبیای الهی نیز مأمور تعلیم و تربیت جامعه بوده‌اند.

هویت و شجره‌نامه صنفی روحانیت


بر طبق تعالیم اسلام، روحانیت سِمَت و مقامی نیست که در سایه آن روحانیون امتیازات مادی کسب کنند یا حرفه‌ای که نظیر حرفه‌های دیگر، دسته‌ای آن را پیشه و وسیله امرار معاش خود قرار دهند. روحانیت در اسلام، به معنای آراسته بودن به فضیلت علم و تقوا و مجهز بودن برای انجام یک سلسله وظایف اجتماعی دینی و واجبات کفایی است؛ بی‌آن که علم و تقوا سرمایه دنیا طلبی گردد. [۷]

بر این اساس، شجره‌نامه صنفی روحانیت، از مسیر عالمان ربانی دوره غیبت به امامان معصوم و از طریق آنها به پیامبران الهی می‌رسد. عالمان ربانی و مردان خدا، در شمار پدران صنفی طلاب علوم دینی‌اند. طلبگی، سلسله‌ای است متصل به عالمان بزرگ، امامان و پیامبران. نسب‌نامه طلاب، به مردان بزرگ تاریخ منتهی می‌شود و صف طولانی روحانیت تاریخ، قافله‌سالاری مانند نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام دارد.

طلبه، از نظر صنفی و شغلی از تبار پیامبران است و سلاله نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام، محمد صلی الله علیه و آله و وارث علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسین علیه السلام و این، بس افتخارآمیز و مسئولیت‌آفرین است.

نیاکان صنفی طلبه، انبیاء و اولیا هستند؛ یعنی وظایفی که آنها بر دوش داشته‌اند و خدمتی که آنها در جامعه انجام می‌داده‌اند، طلبه در شرایط امروز، بر عهده گرفته است.


طلبه یک نیروی فرهنگی و عنصر تعلیمی - تربیتی در جامعه است ...
که برای گسترش فرهنگ دینی آماده می‌شود و تلاش می‌کند.




پیامبران خدا به واسطه وحی با پیام خدا آشنا شدند؛ طلبه نیز در دوره تحصیل خود با سخن خدا آشنا می‌شود. پیامبران، مردم را به خدا و تقوا دعوت می‌کردند و سخن خدا را به مردم انتقال می‌دادند، طلبه نیز همین خدمت اجتماعی را برگزیده است.

پیامبران در راه دفاع از دین و تحقق ارزش‌های الهی کوشیدند، وظیفه طلبه نیز همین است. پیامبران به تعلیم و تربیت و هدایت مردم پرداختند، طلبه هم در همین مسیر گام برمی‌دارد. می‌توان گفت که طلبه، همکار امام زمان علیه السلام است و دغدغه‌های آن حضرت، وجود او را نیز فراگرفته است. دغدغه اسلام و کفر، دغدغه حق و باطل، دغدغه جهان اسلام، دغدغه تحقق جامعه ایده‌آل اسلامی و دغدغه تربیت انسان‌های صالح و مقرب.

می‌توان گفت که طلبه سهم امام است؛ یعنی نه تنها درآمد نقدی طلبه، که تمام وجود او (تمام دارایی‌های معنی، توانایی‌ها، استعدادها، و ظرفیت‌هایش) متعلق به امام عصر علیه السلام است و باید طبق فرمان آن حضرت خرج شود. خدمتی که طلبه به جامعه عرضه می‌کند، رفع مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز انسان‌هاست. نیاز انسان به معنا، نیاز انسان به انسانیت، نیاز انسان به خدا، نیاز انسان به هدایت ... و آشناسازی آنها با مهم‌ترین حقیقت هستی (خدا). به بیان دیگر، طلبه امروز، عالم فرداست و عالم دین، وارث انبیاء؛ انبیای الهی نیز مأمور تعلیم و تربیت جامعه بوده‌اند، مراد از تعلیم، تعلیم کتاب و حکمت (نه آموزش حساب و هندسه و جغرافیا) و مراد از تربیت نیز تربیت معنوی انسان‌ها (و نه تربیت بدنی یا تربیت هنری) است. بنابراین، طلبه یک نیروی فرهنگی و عنصر تعلیمی - تربیتی در جامعه است که برای گسترش فرهنگ دینی آماده می‌شود و تلاش می‌کند.



هویت طلبه با دین خدا گره خورده...
و تعریف طلبه از مناسبت او با دین به دست می‌آید.



روحانیت، تنها نهاد اجتماعی است که خداوند به تکمیل نیروی آن فرمان داده (آیه ۱۲۲، سوره توبه) و مستقیماً برای تأمین کادر آن اقدام کرده است. خدای متعال برای نیاز جامعه، به کسب و تجارت یا پزشکی و مهندسی یا رانندگی و آهنگری، به صورت مستقیم نیرو نفرستاده است؛ اما برای رفع نیاز بشر به دین، اخلاق و معنویت ۱۲۴۰۰۰ انسان صالح، ارسال داشته و آنها را به گونه‌های مختلف، تأیید، هدایت و حمایت کرده است.

بعثت پیامبران در پی نیاز انسان‌ها به تعلیم و تزکیه بوده و این نیاز، چندان اساسی و بزرگ است که از میان همه نعمت‌ها، خدای بزرگ تنها نعمت «بعثت» را به رخ انسان کشیده و بر او منت نهاده است:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾؛ [۹]

نهاد مقدس روحانیت، در نظام گسترده تقسیم کار اجتماعی و در شبکه روابط انسانی، متکفل ارایه خدمات ویژه‌ای است. نقش ویژه این سازمان مهم، در مناسبت با «دین اسلام» تعریف می‌شود. روحانیت، بالمآل عهده دار وظیفه تعلیم و تربیت دینی نسل‌ها و جوامع انسانی است. روحانی نیز، مانند نیاکان صنفی خود - پیامبران و اولیاء - یا معلم کتاب و حکمت خواهد بود یا مربی و مزکی جان‌های آماده:

﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾ ۱۰

و از او انتظار می‌رود در راه افزایش شناخت، آگاهی و بصیرت دینی، تقویت انگیزه‌های الهی و گسترش رفتار اخلاقی تراز دین در میان مردم بکوشد.

طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا، ابلاغ، دفاع و اجرای آن می‌کوشد...
و برنامه خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است.




اکنون با هویت طلبه آشنا گشته‌ایم و می‌توانیم طلبه را از غیر طلبه بازشناسیم. هویت طلبه، با دین خدا گره خورده و تعریف طلبه از مناسبت او با دین به دست می‌آید. طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا، ابلاغ، دفاع و اجرای آن می‌کوشد و برنامه خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است؛ یعنی برخلاف دیگر مردم که عمده زمان و توان خود را در برنامه‌های دیگر می‌گذرانند، طلبه سرمایه توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن، یا دفاع از آن، یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می‌کند.

البته طلبه می‌تواند از نیرو، استعداد، فرصت و امکان خود در زمینه‌های مختلف بهره‌گیرد و انواع خدمات ارزشمند اجتماعی را بر عهده گیرد. یک روحانی می‌تواند پزشک باشد و علاوه بر تبلیغ دین به معالجه و درمان مردم بپردازد؛ روحانی می‌تواند خدمات فنی و حرفه‌ای ارائه دهد... اما هیچ‌یک از این فعالیت‌ها، فعالیت صنفی روحانی به شمار نمی‌رود و به طلبگی، روحانیت، لباس و نقش اجتماعی ویژه او مربوط نیست. هیچ کدام از این گزینه‌ها، از روحانی - از آن جهت که روحانی است - انتظار نمی‌رود و روحانی به خاطر کاستی و کاهلی در آن هرگز مواخذه و ملامت نمی‌شود. کسی از روحانی توقع ندارد توان آموزش فن رایانه یا تعلیم هنر خوش‌نویسی را داشته باشد. کسی توقع ندارد که روحانی پاسخ‌گوی پرسش‌های فیزیک، شیمی، جبر، حساب و هندسه باشد. روحانی، مسئول حل معضل ترافیک یا بهینه‌سازی تجهیزات آزمایشگاهی مدارس نیست.

اگر کسی چنین پندار یا انتظاری از روحانی دارد باید به سرعت آگاه شود که آدمی‌زاده در این جهان گسترده، با یک دست تنها یک هندوانه می‌تواند بردارد و توقعی بیش از این، از یک انسان معمولی، منطقی و معقول نیست.


طلبه سرمایه توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می‌کند.






اما در مقابل، هر کسی حق دارد روحانی را پاسخ‌گوی پرسش‌های دینی خود بشناسد و از او توقع آمادگی برای ابلاغ پیام خدا را داشته باشد. هر کسی حق دارد روحانی را مسئول تربیت اخلاقی - دینی نسل نو و آموزش معارف قرآن و روایات بداند. هر کسی می‌تواند از روحانی انتظار گره‌گشایی و بن‌بست‌شکنی در تلاطم‌های روحی و بحران‌های فکری اعتقادی داشته باشد. روحانی، مسئول دفاع از معارف دینی در مقابل تهاجم فکری و عقیدتی جبهه کفر است. روحانی حتی به دنبال کسب تخصص در نحو، صرف، فلسفه، تاریخ، روان‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی نیست. این علوم گرچه در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود و ساعت‌ها سرمایه انسانی حوزویان را در اختیار خود می‌گیرد، اما هدف اصلی یک حوزوی هیچ کدام از اینها نیست. روحانی، عالم دین است. تمام تعریف خود را از مناسبت با دین دریافت می‌کند و تمام تعهد خود را در این نسبت به کار می‌گیرد.

البته روحانیت وظیفه دارد در راه فهم دین خدا، هرگونه تلاشی را به کار گیرد. انواع فعالیت‌های علمی (عقلانی، تجربی و...) با هدف کشف آفاق جدید دین خدا، از وظایف روحانی است. هدف اصلی او، به فهم دین است و در این راه مقدمات لازم را باید کسب کند، ولی بسیار تفاوت است میان کسی که می‌خواهد عالم فلسفه و روان‌شناسی باشد با کسی که فلسفه و روان‌شناسی را در خدمت فهم معارف دین می‌خواهد. همچنین، میان کسی که عالم صرف و نحو است و کسی که صرف، نحو و ادب عربی را در خدمت فهم قرآن و حدیث می‌خواهد. دانشمند علوم تجربی جدید با دانشمند دین متفاوت است. عالم دین، در پی کشف نظر خدا و در صدد فهم سخن پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است و در صرف، نحو، فلسفه، عرفان و روان‌شناسی به دنبال دست‌یابی به قراین و شواهدی است که حقایق و حیانی را بهتر و بیشتر معلوم گرداند؛ در حالی که عالم فلسفه یا روان‌شناسی، فارغ از دغدغه شناخت وحی، به دنبال شناخت حقایق از روش‌های خاص علوم است.



هر کسی حق دارد روحانی را پاسخ‌گوی پرسش‌های دینی خود بشناسد...
و از او توقع آمادگی برای ابلاغ پیام خدا را داشته باشد.



علاوه بر فهم دین، ابلاغ پیام دین و دفاع از دین، حوزه‌های علمیه متکفل تحقق دین در جامعه نیز هستند. حوزه پیش از انقلاب توان مهندسی کلان فرهنگی و بنیان‌گذاری فرهنگ اسلامی در سطح جامعه جهانی را نداشت؛ بدین جهت بیشتر به طراحی، توسعه، ترویج و دفاع از نظام معرفتی دین می‌پرداخت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه اختیار عالمان دین، مسئولیت‌های سنگین‌تری بر دوش حوزویان قرار گرفت.

حوزه امروز باید در صدد ارایه الگوی همه‌جانبه اداره جامعه اسلامی - و غیر اسلامی - بر اساس آن نظام معرفتی و حرکت به سوی تمدن‌سازی اسلامی باشد.

تمدن‌سازی اسلامی، یعنی ایجاد یک تحول اجتماعی فراگیر و تلاش برای تشکیل جامعه آرمانی بر اساس نظام آموزه‌های اسلامی؛ بنابراین، کارکردها و رسالت‌های حوزه، پیش و پس از انقلاب، بسیار متفاوت گشته و در پرتو آن، نقش‌ها و کارکردهای طلبه نیز توسعه یافته است. با توجه به این نکته، به نظر می‌رسد به عنوان وجوب کفایی حوزه باید در رشته‌های مختلف علوم انسانی که مهندسی فرهنگی جامعه بر آن متوقف است، وارد شود.

طلبه، نیرویی است که باید در خدمت رسالت‌های انبیاء، امام زمان علیه السلام و حوزه‌های علمیه قرار گیرد. از میان این رسالت‌ها، فهم دین - در حدود ممکن - بر ابلاغ و اجرای دین تقدم دارد و قطعاً دوره زمانی مشخصی را باید به این مهم اختصاص داد. در این دوره، عمده توان و زمان طلبه باید صرف آموختن معارف دینی و به‌دست‌آوردن مقدمات آن گردد و هر فعالیت دیگری، به شرطی در زمره فعالیت‌های صنفی طلبه قرار می‌گیرد که در همین راستا باشد.

طلبه نیرویی است که:

باید در خدمت رسالت‌های انبیاء، امام زمان علیه السلام و حوزه‌های علمیه قرار گیرد.

طلبگی و روحانیت

برخی میان طلبگی و روحانیت تفکیک کرده‌اند. از توضیح گذشته آشکار شد که طلبگی فصل اول حیات روحانی است و روحانیت، امتداد طبیعی طلبگی. طلبگی، فصل آموختن و پرورده شدن است. آموختن و پرورده شدن به غایت خدمت اجتماعی خاصی که در فصل دوم حیات او ارائه می‌شود. بدین ترتیب، روحانیت بدون طلبگی یعنی انجام دادن خدمت بدون آمادگی و آموزش و طبگی بدون تعهد خدمت یعنی فراهم آوردن بدون بهره!

هر کس که طلبه می‌شود، به سازمان روحانیت شیعه وارد می‌شود و همه رسالت‌ها و وظایف آن را بر دوش می‌گیرد؛ وظایفی که نمی‌تواند در برابر آنها بی‌اعتنا باشد؛ اما در آغاز راه باید برای ادای آن وظایف، مدتی آموزش ببیند و آمادگی کسب کند. روحانی‌ای که به خدمات اجتماعی، فرهنگی و دینی مشغول است نیز، طلبه است؛ از آن جهت که هر عنصر خدوم اجتماعی موظف است همواره و پیاپی بهره‌های خود را افزایش دهد، با تخصص، دانش و تجربه بیشتر در میدان خدمت حضور یابد و فرمان تاریخی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دانش‌آموزی تا پای گور را اطاعت کند. بنابراین، میان زی طلبگی و زی روحانیت، تفاوتی جز به اعتبار وجود ندارد.

عمده توان و زمان **طلبه** باید:

صرف آموختن معارف دینی و به‌دست آوردن مقدمات آن گردد.

توصیه های اخلاقی بزرگان به طلاب

امام خمینی رحمته الله:

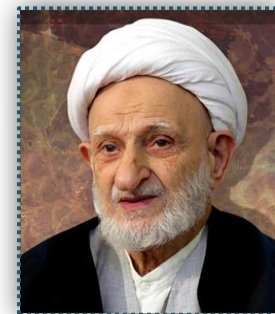
شما که امروز در این حوزه‌ها تحصیل می‌کنید و می‌خواهید فردا رهبری و هدایت جامعه را به عهده بگیرید، خیال نکنید تنها وظیفه شما یاد گرفتن مشتی اصطلاحات می‌باشد؛ وظیفه‌های دیگری نیز دارید. شما باید در این حوزه‌ها خود را چنان بسازید و تربیت کنید که وقتی به یک شهر یا ده رفتید، بتوانید اهالی آنجا را هدایت کنید و مهذب نمایید. از شما توقع است که وقتی از مرکز فقه رفتید، خود مهذب و ساخته شده باشید تا بتوانید مردم را بسازید و طبق آداب و دستورات اخلاقی اسلامی آنان را تربیت کنید.

امام خامنه‌ای دام ظلّه:

صفای طلبگی، همان معنویت و حجره ساده، تواضع و کم تو قعی آن است یا خانه‌ای که از حجره، چندان بهتر نیست. اصلِ مدرک را بنده قبول دارم؛ اما مدرک‌زدگی، آفتِ مدرک است. طلبه برای مدرک درس بخواند، این عیب بزرگی است. این، همان خط میانه تحول است. مدرک بدهید؛ اما از مدرک‌گرایی و مدرک‌زدگی که ما همیشه آن را عیب تعلیمات جدید می‌دانستیم، پرهیز کنید.



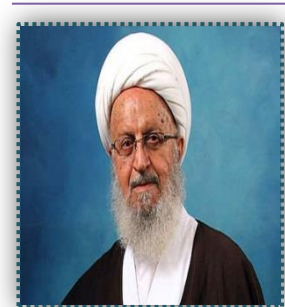
آیت الله بهجت رحمته الله:
علم و تقوا دو بال پرواز برای هر طلبه است که اگر به هر کدام از این دو کم توجهی شود، زیان های فراوانی متوجه طلبه خواهد شد. معراج السعاده مرحوم نراقی رحمته الله را روزی یک صفحه بخوانید و تا حد توان به آن عمل کنید.



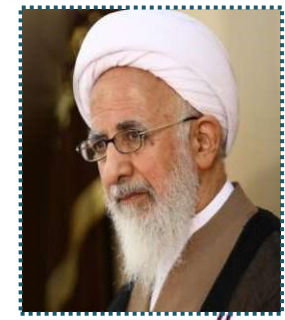
آیت الله مشکینی رحمته الله:
انسان موجود مرکبی از ساعات، ایام، شهرور و سنوات است. هر ساعتی که می گذرد، یک مقدار از وجودش کم می شود؛ مانند یک بطری پر از مایع است که قطره قطره از او کاسته می شود. بنابراین اگر می خواهید افتخار سربازی امام زمان علیه السلام را پیدا کنید و یک روز شیخ مفید و شیخ طوسی شوید، از حالا باید بفهمید وقت تان چیست و در این زمینه سه نکته را مهم شمرده و لحاظ کنید: اول: برای چه به دنیا آمده ایم و هدف چیست؟ دوم: حرکت به سوی هدف و کوشش برای رسیدن به آن. سوم: تهیه شرایط وصول به هدف را مشخص کنید.



آیت‌الله مکارم شیرازی رحمته‌الله:
در حال حاضر زحمت طالبان علم در مقایسه با زمان‌های قدیم بسیار کمتر است و از این جهت شما باید قدر خود را بدانید و می‌توانید با قدرت بیشتر با استفاده از امکانات و منابع در خدمت ترویج معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام باشید. به هر میزان خلوص نیت و تقوای شما بیشتر باشد زمینه‌های موفقیت شما بیشتر فراهم خواهد شد.



آیت‌الله جوادی آملی رحمته‌الله:
لحظه‌ای از فراگیری علوم غفلت نکنید! هیچ‌گاه بی‌طهارت نباشید. همیشه نمازتان اول وقت و با جماعت باشد. درس را طوری بخوانید که بعد بتوانید تدریس کنید؛ نه برای این که نمره بگیرید. اگر طرزى درس خواندید که نتوانستید تدریس بکنید، دوباره بخوانید؛ چون معلوم می‌شود درس را نفهمیده‌اید.

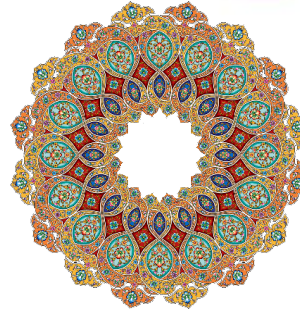


بانوان مجتهده معاصر



بانو مجتهده امین اصفهانی

بانو امین در سال ۱۲۶۵ خورشیدی در اصفهان چشم به جهان گشود. نَسَبش با سی واسطه به علی بن حسین (علیه السلام) می رسد. از چهارسالگی به فراگرفتن قرآن و از یازده سالگی به تحصیل زبان عربی پرداخت. با این که در پانزده سالگی ازدواج کرد، هرگز همسررداری و تربیت فرزندان او را از تحصیل علم باز نداشت. در بیست سالگی به تحصیل فقه و اصول، تفسیر و علم حدیث پرداخت، بزودی به حکمت و فلسفه و در پی آن به عرفان روی آورد. علی رغم تمام مشکلاتی که در آن دوران برای تحصیل بانوان متدین وجود داشت در چهل سالگی به دنبال سالها تلاش شبانه روزی به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد. وی از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتاب، تدریس و پاسخ گویی به پرسش های دینی و تأسیس مؤسسات فرهنگی مشغول بود. تأسیس مدرسه علمیه ای به نام مکتب فاطمه (علیها السلام) که با بیش از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ شاگرد، در سال ۱۳۴۶ آغاز به کار کرد، از دیگر کارهای مهم فرهنگی بانو امین است که در اوضاع بسیار سخت فرهنگی و سیاسی جامعه صورت گرفت و زمینه تحصیل بانوان علاقه مند به آموختن معارف اسلامی را فراهم ساخت. اربعین الهاشمیه، جامع الشتات، معاد یا آخرین سیر بشر، سیر و سلوک در روش اولیاء و طریق سیر سعده از آثار علمی و ماندگار ایشان است.



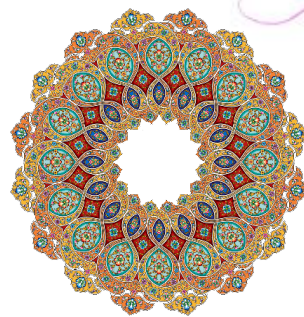
زینت السادات علویه همایونی فقیه و مجتهد معاصر شیعه است. ایشان در سال ۱۲۹۶ در خانواده‌ای پرجمعیت در اصفهان دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۸۸ بعنوان چهره ماندگار انتخاب شدند.

ایشان از شاگردان بانو امین اصفهانی است. وی اول زنی بود که در امتحان مدرسی، داوطلب و با معدل خوب قبول شد و در سال ۴۳ هم وارد دانشگاه الهیات گردید؛ سپس به اصفهان آمده، پیشنهاد تأسیس اولین حوزه خواهران را به خانم امین داد و ایشان با کمال میل، پذیرفت؛ از این رو حوزه علمیه بانوان به نام مکتب فاطمه علیها السلام و به ریاست بانو امین در سال ۱۳۴۶ تأسیس شد.

زن مظهر خلاقیت الله، نسیم ولایت، زندگی‌نامه بانو امین، ترجمه اربعین الهاشمیه و ترجمه کتاب اسرار آیات صدرالمتألهین شیرازی از جمله آثار ایشان است. بانو همایونی در روز ۱۰ تیرماه ۱۳۹۵ در سن ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفت.

بانو مجتهده علویه همایونی





بانو مجتهدہ گلگیری

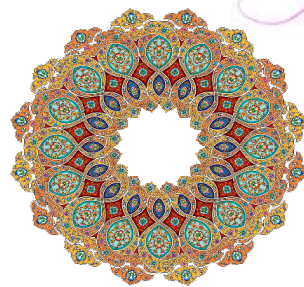
بانو مجتهدہ معصومہ گلگیری در دهم آبان سال ۱۳۲۸ در خانواده‌ای متدین در شهر آبادان دیده به جهان گشود.

ایشان از همان ابتدا با هوش سرشار و نبوغ کم‌نظیر، از موفقیت فراوانی در امر تحصیل برخوردار بودند. هنوز تحصیل در دبیرستان تمام نشده بود که در سال ۱۳۴۶ راهی تحصیل در فاطمیه شدند. با حمایت یکی از علمای عظام آن زمان، در سال ۱۳۵۰ وارد شهر مقدس قم شدند و هسته اولیه حوزه علمیه خواهران را در قم بنا نهادند.

ایشان همزمان با تحصیل در حوزه، به تبلیغ، تحقیق و تألیف نیز پرداختند. تدریس را در سال ۱۳۴۷ شروع و نخستین اثر علمی خویش را در ۱۹ سالگی با عنوان کتاب «سیمای ابراهیم در قرآن کریم» به رشته نگارش درآوردند.

پس از ازدواج نیز همین مسیر را ادامه دادند. البته با تسلطی کم‌نظیر و با گذشت و فداکاری، همواره موفق شدند همزمان به امر خانه و خانواده و تحصیل، تدریس، تبلیغ و تحقیق در علوم دینی بپردازند.

عضویت در هیئت امنای جامعه الزهراء علیها السلام از سال ۱۳۷۰ و شورای عالی سیاستگذاری حوزه‌های علمیه خواهران از ابتدای تشکیل نیز بخشی از فعالیت‌های ایشان است.



بانو مجتهدہ صفاتی، متولد ۱۳۲۸ در شہرآبادان است. او بعد از اتمام دورہ دبستان، دبیرستان را بہ صورت متفرقہ خواند و در کنار آن بہ تحصیل علوم حوزوی پرداخت. آن چہ صفاتی را در انتخاب راہ جدید مشتاق کردہ بود، علاوہ بر محیط خانوادگی مذہبی، آشنایی با زندگی و آثار علمی بانو امین، در ابتدای نوجوانی بود. آن قدر کہ برای ادامہ مسیر در سال ۱۳۴۹ بہ ہمراہ جمعی از خواہران برای تحصیل سطوح عالی علوم اسلامی، خصوصاً در فقہ و اصول، بہ قم ہجرت می کنند.

دوران علم آموزی ایشان ہمزمان با ایام مبارزات انقلابی بود و درک سختی هایی چون شہادت برادر، ممنوع المنبر شدن، زندانی شدن بہ اتفاق ہمسر و فرزند خردسال و...؛ اما سربلندانہ بہ سر رسید و بانو صفاتی توانست از حضرات آیات علی یاری غروی تبریزی (از شاگردان مرحوم آیہ اللہ العظمی نائینی)، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی و محمد حسن احمدی فقیہ، اجازات روایی و اجتہادی کسب کند. بانو صفاتی امروز از اساتید دروس عالی خارج فقہ و اصول است و نظراتش خصوصاً در حوزہ مسائل زنان قابل تأمل است. نوآوری های فقہی در احکام بانوان، پژوهش فقہی پیرامون سن تکلیف و زیارت در پرتو ولایت (شرحی بر زیارت عاشورا) از جملہ آثار ایشان است.

بانو مجتهدہ صفاتی





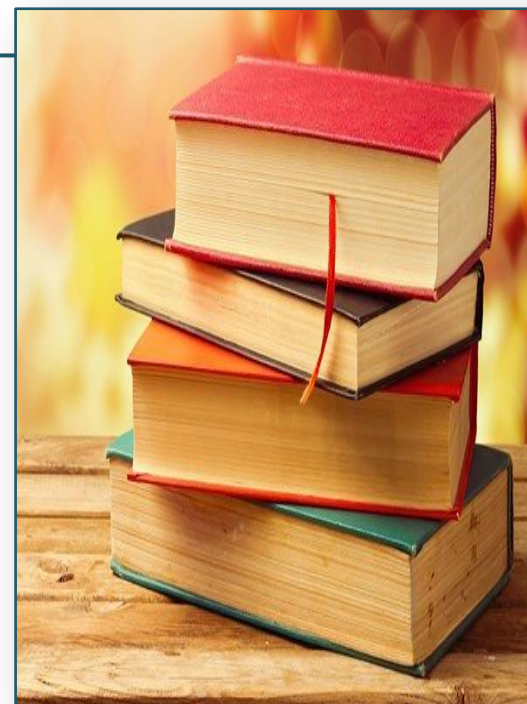
شانزده توصیه برای موفقیت در زندگی طلبگی





معرفی کتاب

- * حوزه و روحانیت: مجموع فرمایشات رهبر معظم انقلاب دام ظلّه
- * سیمای آرمانی طلبه در نگاه مقام معظم رهبری، پدیدآورنده: محمد عالم زاده نوری
- * راه و رسم طلبگی، نوشته: محمد عالم زاده نوری (هفت جلد)
- * آیین طلبگی، نوشته: علی اصغر همتیان
- * مباحثی در مورد حوزه، نوشته: آیت الله مصباح یزدی
- * آداب الطلاب: آیت الله مجتهدی تهرانی (شاکر برخوردار فرید)، توصیه های اخلاقی به طلاب
- * آفات الطلاب: آیت الله مجتهدی تهرانی (شاکر برخوردار فرید)، توصیه های اخلاقی به طلاب
- * زندگانی بانوی ایرانی، نوشته: ناهید طیبی
- * بانوی نمونه (جلوه هایی از حیات بانوی مجتهده امین اصفهانی)، نوشته ناصر باقری بیدهندی



این **خوبترها** را به **شما خوبترینها** پیشنهاد می کنیم...



#پی نوشت

- [۱]. الزی الهیئة الظاهرة صحاح العرب، الزی بالكسر اللباس و الهیئة، و اصله زوی، يقال زَیْتُهُ و القیاس زَوَيْتُهُ. يقال الزی الشَّارِه (اللباس و الهیئة) و الهیئة و المَنْظَر. قد زَییتُ الجاریه ای زینتھا و هیأتھا. تَزیَا فلان بزى حسن و قد زَییتُهُ تَزیه بكذا اذا جعلت له زیا، و القیاس زَوَيْتُهُ لانه من بنات الواو لكنهم حَمَلوه على لفظ الزی تخفیفا (لسان العرب).
- [۲]. انَّ العُلَمَاءَ وَرَثَةُ الانبیاءِ کافی، ج ۱، ص ۳۴.
- [۳]. توبه ۹: آیه ۱۲۲.
- [۴]. فقه با فهم سه تفاوت دارد؛ فقه، فهم همراه با تأمل و تعمق است. علاوه بر فکر، با قلب نیز ارتباط دارد؛ یعنی فهم همراه با دل است و نیز به سوی عمل تجهیز می کند؛ یعنی فهم اگر به آستانه فقه برسد، عمل زاست.
- [۵]. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۹.
- [۶]. احزاب ۳۳: آیه ۳۰-۳۲.
- [۷]. ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۱۳۹.
- [۸]. ر. ک: هویت صنفی روحانی.
- [۹]. جمعه ۶۲: آیه ۲.
- [۱۰]. بقره ۲: آیه ۱۲۹.